

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده
اول فبروری ۲۰۱۰
شهر اسن – المان

بی قیزه و بی افسار

باز آمد و باز آمد ، دشمن به کمین آمد
از خوابِ گران برخیز ، **شیطان** **لعین** آمد
میهن شده ویرانه ، مردم همه بی لانه
دلها شده غمخانه ، بی ننگ زمین آمد
اعراب **سیه پستان** ، با **فتنه انگلستان**
از **کینه پاکستان** ، با چال نوین آمد
آمریک **تجاوزگر** ، با نوکر و با چاکر
چون **کرزی** **بد اختر** ، با مهر جبین آمد
در **لندن** **استعمار** ، **چلیاسه** و **موش** و **مار**
بیرون شده از هر غار هریک چو **تتین** آمد
ملا عمر **کور** ، یک چشمه منفور
بد جاهل بدخور ، بد بوی چمین آمد
از لیست **سیه بیرون** ، **پنج شش نفر ملعون**
گویا **مرض طاعون** ، با **ایدز** ، عجین آمد
این فلم **نور جالب** ، بسته به **دُم طالب**

بازیگر بس غالب ، با نان جوین آمد
دوستم بچه چنگیز ، بگریز و ، ازو بگریز
 رقاصه با استیز ، از نطفه **چین** آمد
 نه شرم و حیا دارد ، نه غیرت و نه همت
 بی ننگ و دغل باز دلال پسین آمد
 آن آش و همان کاسه آن غربت و آن تاسه
 آن کوسه نجاسه ، با مرگ قرین آمد
 بیهوده مکن تشویش ، از پهلوی پشت و پیش
 گر شاخ و دُم و گر ریش ، زهرین و چخین آمد
گلبدین حکمتیار ، آن جانی راکتبار
بی قیزه و بی افسار ، با نفرت و کین آمد
 آن خائن جنگسالار ، بدکاره بیمقدار
 بدفعل و خطا کردار ، بد دشمن دین آمد
 کفتار چشم پاره ، مکاره زکاره
 چون غنڈل و ، جرّاره ، پُندیده سُرین آمد
 با راکت و خُمپاره ، آن قاتل و خونخواره
 خُشاره حقاره ، بد زاد غبین آمد
 یک **چک چکی اش** گفتا! این رهبر تنظیمی
 نه **جنگی قوماندان** کو ، با داد و هُرین آمد
 حیفت ، به این **آقا** ، بر فهم و شعور او
 چون **خائن ملی** را ، توصیف چنین آمد
 اینگونه چه خواهد شد آینده ما مردم
 گر **رهبر بی عرضه** بر خر زده زین آمد
 « نعمت » ز پس پرده بیش و کمی میگوید
 هر آنچه که بسروده ، بی شک ، به یقین آمد

معانی بعضی از لغات :

تَنّین - مار بزرگ ، اژدها *** چمین - بول ، ادرار ، غائط ، پلیدی *** عجین - سرشته شده *** تاسه -
 اندوه و ملالت ، اضطراب و بیقراری ، تیره شدن روی از غم و الم (**توبامن نسازی که از صحبت من + ملالت**
فزاید شما را و تاسه) (خواجه در کاسه خود صورتکی چند بدید + بیم آن بد که بگیرد بوجودش تاسه ++ چون یقین

گشت از آنها که غذائی نخورد +گفت هرگز به ازینها نبود همکاسه) *** نجاسه - نجاست *** چخین - چرک
آلود *** زکاره - لجوج ، ستیزه جو ، خیره سر *** جرّاره - نوعی از عقرب سمی و زرد ، گزدم کوچک
زرد رنگ *** خُشاره - مردم پست و فرومایه ، پست و ناپسند از هر چیز *** غبین - مغبون ، کم فهم ،
فریب خورده در داد و ستد *** هُرین - بانگ جانور درنده ***